

مناجات حاج آقا

خدایا ای خدایی که در آن بالا ها . خیلی بالاتر :
 بالای آسمان هفتم نشسته ای و حساب دینار و قطار بندگانت را داری دیروز
 در راه تو یک دهشاهی به فقیر دادم .
 لطف مفرمانی خداوندا ! دهشاهی ! دهشاهی کم بولی نیست !
 این روزها میگویند پنجاه دینار ولی خدایا تو خود شاهی که با این دهشاهی ها درده
 بیست سال قبل < پانصد دینار > میگفتند
 پانصد دینار قربانت کردم پانصد دینار کم بولی نیست ! خداوندا خود میدانی
 من هر چه گشتم در ته جبین صناری (صد دیناری) نبود مجبور شدم یک دهشاهی بدم (از تو
 چه پنهان) سه چهار دهنه بفقیر گفتم .
 : - پسر مواظب باش . . . سناری نیست دهشاهی است کم نکنی ! دو سه تا سرفه
 مصلحتی هم کردم که شاید عابرین متوجه من شوند و بپهنند در این دوره وافتسا بازم آدم
 های < دل رحیمی > مثل من پیدا میشوند ولی کسی اعتنائی نکرد . . .
 خداوندا ! خودت فرموده ای تیکی را < صد در دنیا و هزار در آخرت عوض میدهی >
 من < هزار در آخرت > را بخودت بخشیدم اقلا با < پانصد در دنیا > مصالحه کن
 خداوندا (عقده دلم سنگین است) بعضی از بندگانت میگویند باید کمک کرد بخشش
 کرد - همراهی کرد خلاصه (زبانم لال) میگویند باید پول را خرج کرد !
 خداوندا بندگان احمت را عفو بفرما اینها اینقدر شعور ندارند که بفهمند پول را تو
 میدهی که همچون جان شیرین نگاهش داریم . - اگر بنا باشد خرج کنیم چرا
 عقوبت پیدا کردنش میرویم !
 خداوندا ! حتی شنیده ام کوساله های پیدا میشوند که خودشان نمیخورند و بر مردم میدهند
 کسب و کار خودشان را ول میکنند و دنبال مریض داری و اعانه جمع کردن میروند . . .
 خداوندا بنام میبرم بدرگاه تو از شر این بی شعور ها - حقا که چه جانور هایی زیر
 این آسمان تو زندگی میکنند . هیچکس را ندیده ام مثل خودم قدر پول را بشناسد .
 وقتی برای گرفتن اعانه پیش من میآیند میگویم :
 : - پول جان من است امگر میشود جان را هم بکسی داد !
 این حرفهای حکیمانه یادگار پدر مرحومم است (نور به دهنه اش بیارد) خدا بیمارز
 وقتی نفس آخر را میکشید با زحمت رو بین کرد و گفت :
 « پسر جان آه نور چشم عزیزم زرد چوبه ها را
 ارزان نخر و شوی »
 این جمله آخرش بود و جان سپرد . نور به قبرش بیارد با فرشتگان معشور باشد که
 حرفهای جواهرات بود میگفت کسی که اعانه جمع میکند باید یکدستش را برید
 و کسی که اعانه میدهد هر دو دستش را
 خداوندا از بس حاشیه رفتن موضوع (پانصد دینار > فراموش شد . . . ولی مگر
 یکی زیر آسمان کم میشود !
 < پایان >

قابل توجه بازرگانان محترم
 تجارتخانه داود صادق که در
 سابق مدت تجارتمی میباشد و اخیرا
 خرمنشهر شعبه ای برای حق العمل کاری
 ترخیص کالا تأسیس نموده حاضر اس
 کلیه امور صادراتی و وارداتی و
 های کمرکی را با نهایت دقت با سر
 وقت انجام دهد . آدرس خرمنشهر داود
 تلگرافی صادق ۲ - ۳

خیابان شاه یافا
 دانه آه
 فروشنده انواع و اقسام لوازم
 آلات موسیقی - تعمیرات آلات موسیقی
 قیمت مناسب همه نوع پذیرفته میشود
 دفتر عالم بهود

اخطار بمشتر کین محترم
 مشتر کین محترمی که بادیانت
 قسمت آهونه آنها بسر میرسد مقنی ام
 آهونه خود را با پرداخت دو بیست ری
 برای چهل قسمت با صد ریال برای بیست
 قسمت دیگر تجدید فرمایند . ۱ - ۲۰
 دفتر عالم بهود

هنرستان فنی
 در دبیرستان اتحاد هنرستان خیابان
 بردری دوزی و برش تحت نظر خان
 دیلمه از صبح تا عصر دایر و برای طلب
 مجانی یا توان و دوشیز کان آماده میباشد
 داوطلبان میتوانند هر روز تا ساعت
 یازده بدقت در دبیرستان مراجعه نمایند . ۱ -

نقاشخانه دوست
 با سابقه چندین ساله ای که در نقاشی
 ساختمان و درهای هارت دارد میتوان
 ساختمانهای شمارا با نازلترین وجه بزرگ
 ترین صورت بادست پاماشین تزئین نماید
 نشانی : چهار راه رازی نقاشخانه
 دوست . : چهار راه یوسف آباد چابخانه
 یوسفانی . : چهار راه کنت مقارنه بوستان
 ۱۰ - ۱



شرکت سهامی چاپ

عالم بهود

بها ۵ ریال

دبیرستان اتحاد



صاحب و مدیر
 مهندس بوستانی
 حبیب الله لای
 تحت نظر هیئت تحریریه
 نشانی : تهران
 چهار راه رازی
 تلگرافی : «هاعولام»

مهرم بزمان صلح

پیروز بجنگ

برندگان جوایز جمله مصور قسمت ۱۴

در پائیز بر گهای درختان زرد شده گلها پژمرده میشوند
 از تهران بانوائیس خرمیان و آقایان : ناصر بن لوی - منصور ابسلت -
 روح الله کبای
 از شهرستانها - دوشیزه هان جبرونی - بانو و . انیسی - آقایان : نجات الله
 شهری - فرج الله شکری - ۲۰۴ هیرمند - یوسف قابولیان - منوچهر کهن -
 ۱۰ همدانی - سیروس بخشی جواب صحیح داده اند .
 طبق قرعه کشی بین اشخاص فوق منصور ابسلت از تهران و سیروس
 بخشی از شهر ستانها برنده شناخته شدند

فهرست مندرجات

۳۵۵	اعتراف و تذکر - عزریا دی رسی
۳۵۶	تأثیر زناشویی در سو و تندرستی - تشکلات
۳۵۷	تاریخ یهود - از يك زندانی
۳۵۸	اخبار دنیای یهود
۳۵۹	تاسیس کلنی
	حساب عصراتم - يك محاصره مفید - نسخه
۳۶۱-۳۶۰	شاعرانه - آزادی خود بخود - گفته های انشتین
۳۶۲	اخبار یهود - اوضاع و احوال شهرستانها
۳۶۳	برای زنان پس بود این هنر... - برای زنان
۳۶۴	مطبوعات چه مینویسند
۳۶۵	نامه وارده
۳۶۶	اگر مادر شدید - برندگان مسابقه ما - ترجمه کنید
۳۶۷	قاصد زرنگ - مسابقه زیباترین کودکان
۳۶۸	فائزتری

تقویم هفتگی

شواط	دی	ژانویه
۵۷۰۶	۱۳۳۴	۱۹۴۶
۳ غنہ	۱۸	۸
۴	۱۹	۹
۵	۲۰	۱۰
آدینہ	۲۱	۱۱
۶ غنہ	۲۲	۱۲
بکشہ	۲۳	۱۳
دوشنبہ	۲۴	۱۴

شاگرد با هوش

آموزگار - کشتی نوح چه قصی داشت ؟
دانش آموز - پس از مدتی فکر-
پیمه نشده بود...

بارون رچیلد

روزی بارون رچیلد که از متولین پورک جهان است در باغی گردش می کرد و عصای دسته طلائی خود را تکان میداد.

در آن موقع جوانی رنگ بریده و لاغر و زنده پوش باو نزدیک شده گفت:
- آقای بارون من دو روز است چیزی نغورده ام... رچیلد جوابی نداد.

- آقای رچیلد دو روز است يك لقمه غذا از گاری من پائین نرفته و چیزی نغورده ام...
آنگاه رچیلد متغیر شده گفت: سعی کنید بخورید...
آ تا.

اخبار مصور هفته



« میشل »



« هریمین »



« ویشینسکی »

چنانکه در هفته گذشته اطلاع دادیم انجنین مسکو در تاریخ پنجم دیماه ۱۳۲۴ ایابان یافت و وزرای خارجه سه دولت تصمیمهای نسبتی مهمی گرفتند که از آن جمله مسئله رومانی بود. وزیران امور خارجه موافقت نمودند که از پادشاه رومانی دعوت کنند که اسرار حکومتش را توسعه دهد و يك نماینده از حزب دماقین و يك نماینده از حزب لیبرال وارد هیئت دولت کنند.

دولت رومانی این پیشنهاد را با خوشوقتی پذیرفته و اکنون هیئت مرکب از «ویشینسکی» معاون کبشاری امور خارجه شوروی و سفرای کبار انگلیس مستر «کلارک» و امریکا مستر «هریمین» در مسکو برای انجام این امر به «بخارست» مسافرت نموده اند.

يك راه و دو مقصد

ندار به دارا - سلام علیکم. کجا تشریف میبرید ؟
دارا - قدم میزنم اشتهایم کم. شما کجا میروید ؟
ندار - من اشتهای دارم قدم میزنم تا خوراکی پیدا کنم.

اعتراف و تذکر

حقیقتی است ثابت که بواسطه غفلت و خودخواهی بزرگان و مسئولین ما و بواسطه عدم توافق جریان وضع محیط، جامعه اسرائیل ایران فوق العاده درمانده و عقب افتاده است که حتی نقطه امیدی برای بهبود وضع خراب این ملت نمیتوان تصور شد و فعلاً کوچکترین راه علاجی نمایان نیست.

اکثر سرمایه داران ما تن پرور و متکبر و خودخواه هستند و در پیروی يك روش یکنواخت همینکه خود را صاحب ثروت و نعمتی دیدند بساط خود را جمع کرده و راه مفارقت از برادران خود پیش میگیرند قدم در محیط دیگری نهاده و پشت پا برادری زده و میروند گویی که اساساً این دسته جزء جامعه اسرائیل نیستند! «خوشا باحوالشان...»

طبقه متوسط در تلاش نان است و برای روز مبادا دست و پائی میکند از ملت و اجتماع چیزی سر در نمی آورد زیرا دنیا و زندگی را فقط در يك لقمه نان درك میکند و بس.

طبقه سوم یعنی بیوایان! «ازده ویران که ستاند خراج؟» چه دارند؟ چه میدانند؟ چه میتوانند؟ هیچ! اگر دارای وجود کار آمدی بودند که بدرج جامعه بخورند اقلاً اول بدرج خود می رسیدند که بی نوا نباشند!

بیر مردان ما غافل و خرافاتی، جوانان مست باده و غرور و احساساتی هستند! خلاصه محیط جامعه اسرائیل ایران مانند میکه ایست که آخر شب مردم آن از مسکرات، خراب و هر يك بگوشه ای افتاده و در کثافت خود میلولند و عریضه میکشند و از حال سایرین و خودشان بیخبر هستند.

فقر معنوی و اخلاقی بجدی بر ما مستولی شده است که گمان نبرود حتی فردی هم در این جامعه خراب شایسته چاره جوئی باشد. در میان جامعه خود فضلاء و دانشمندی نمی توان سراغ گرفت که مایه امیدی بشوند. اگر هم تصادفاً شخص مجرب و دانشمندی مانند ستاره که در شب تار از پشت ابر چشمکی بزند یافت شود فقط برای آنست که دانش و فضل خود را برخ یکشت بی سواد و نادان بکشند و مانند...؟

«که حق جدم میخوانند» باج سبیل بگیرند و بامیخواهند بر این مردگان متحرک ریاست کنند. تا این که از شدت درد بیدرمان اجتماعی خود عده ای از جوانان حساس و غیرورولی بی تجربه بفغان آمده و خواستند از طریق انتشار نشریه درد های جامعه خود را متذکر شوند. چند نشریه بروی کار آمد ولی بواسطه عدم توجه ملت و عدم توانائی و تجربه نگارنده ها، کوه عری بودند و بین طلوع و غروب آنها چندان فاصله نبود. اکنون نوبت باینجانبان که خود را از «خانه زاده ها و ارادتندان این قوم و قبیله یهودیان ایران...» میدانیم رسیده است.

از شاخو اندگان گرامی چه پنهان. ما همین هستیم که تا بحال بوده ایم و از اینراه میزان فداکاری خود را بیوت رسانده ایم. ما خود را دانشمند و فاضل و توانا و دانا نمیدانیم. ما خود را شایسته رهبری افکار يك جامعه نمیدانیم. ما مدعی کمال و عقل و درایت نیستیم. ما خود را نویسنده و سیاستمدار و لیدر و رهبر نمیخوانیم.

«چوچه نویسنده گانی!» هستیم که حس کرده ایم آنهاست که شایستگی نامه نگاری و رهبری افکار عامه و یسوانی معرفت و فرهنگ این ملت را داشته اند بعلت عدم شهامت و بعلت خود خواهی و عدم علاقه بملت و جامعه خود قلم را کنار نهاده و از طریق غیر مشروع بفرج جلب استفاده یا کسب شهرت یا مقام فردی هستند. ایست که چون ما چوپان را خفته و سگ را بسته و گرگ را در گله دیده ایم در حدود استعداد و توانائی خود و بر حسب وظیفه ملی و اجتماعی خویش با اعتراف بعدم شایستگی کامل

باین اقدام، قلم شکسته خود را در دست گرفته ایم و با انگشتان ناتوان و لرزان خویش ولی بایک ایابان و شهامت محکم آنرا بگردش در آورده ایم و بر علیه کرگان جاه طلب و عنکبوتان منفعت پرست بسیارزه برخواستیم تا آنکه مسئول عهدداری این وظیفه ای که فعلاً ما بعهده گرفته ایم بودند و از زیر بار این مسئولیت سنگین شانه خالی کردند به بینند، متنبه شوند و بدانند که يك جامعه یکصد هزار نفری نمیتواند بدون روزنامه و نشریه بسربرد.

ما معتقدیم که این کتاب پرازیب است و خالی از نقص نیست، ما معتقدیم که این کتاب هنوز بصورت آبرومندی در نیامده است. ما میدانیم مطالب و مندرجات آن هنوز آن طوریکه باید بقیه در صفحه ۳۶۴

بزرگان یهود را بشناسید

عزریا دی رسی

نام حقیقی این دانشمند (عزریا بن هادومیم) و تولدش در شهر ماتو (ایتالیا) بین سال های ۱۵۱۱ و ۱۵۱۲ میلادی و وفاتش در سال ۱۵۷۸ میباشد.

مدت چندین سال در شهر (فرار) و سپس در (سایوتا) و آنگاه در (بولونی) و بعد مجدداً در (فرار) اقامت گزید در شهر اخیر چنان زلزله سختی واقع شد که تمام ساکنین آن یا بگریز نهادند و عزریا هم که در ضمن فراریان يك ده مجاوری پناهنده شده بود آنجا بکشتی که او هم گریخته بود مصادف شد پس از مذاکراتی مفصل بین این دو نفر نبوغ علمی خفته عزریا که متکی بتحصیلات خیلی وسیع و عیبی بود بیدار گردید و طولی نکشید که «نامه مشهور آرست» را از زبان لاتینی عبری ترجمه کرد مضمون این نامه درباره مبادی ترجمه یونانی 777 : (کتاب مقدس) بود که فعلاً مشهور به (ترجمه هفتاد) میباشد و علت آنکه عزریا اقدام باین ترجمه نمود این بود که این کشتی خیلی در اطراف آن (نامه) با او مذاکره نموده بود.

این نامه ترجمه شده قسمت دوم (مثور عظیم) یعنی بزرگترین کتاب علمی عزریا می باشد کتاب نامبرده از لحاظ اینکه طرز انتقاد کردنش خیلی مطمئن و بیان مطالبش با کمال آزادی انجام گرفته دارای مسائل تاریخی یشاری است که کم و بیش با مذهب اسرائیل سر و کار دارد ۰۰۰ تازمان عزریا هیچکس جرئت نکرد مطالبی باین مهمی با چنین آزادی بیان ابراز نماید کتاب (مثور عظیم) در نوع خود ممتاز است.

اینک ذیلا چند فقره از مسائلی که مورد بحث عزریا قرار گرفته و در اطراف آنها کتاب نوشته است ملاحظه میگرد.

نفوذ فیلون در جامعه یهود - ماجرای ترجمه (هفتاد) طبق منابع تاریخ یهود - افسانه ای راجح با سکندر در تل بود و در کتاب پلوتارک - انتقاد احادیث مختلفه یهود - مطالعه مدارک تاریخی جعلی در اطراف بقیه در صفحه (۳۶۸)

کمپسیون فرهنگی

حتی در یکی از شهرستانها بعدی با مدیر خود که همان از نمایندگان آلیانس بود بدرفتاری نمودند که بیچاره ناچار شد آن شهرستان را ترک و در آن موقع بار یک مدرسه آلیانس تهران پناهنده شود!

دکتر عبدل دینگو کارمند آموزشگاه علوم اسلامی برای بی بردن باینکه وجاهت بانوی آتیه رومی چه تناسلی خواهد بود ضمن تاریخ ازدوره پیش دوترا - کلتوباتر و ماری آتوانت (قشنگترین زنان معروف تاریخ) تا امروز مطالعات زیادی نموده و بالاخره باین نتیجه رسیده است که یک بانوی زیبا در آتیه باید دارای تناسب ذیل باشد:

قد : ۱۷۱ سانتیمتر کمر ۷۷٫۵ سانتیمتر بالای سینه: ۸۷٫۵ سانتیمتر $\frac{1}{2}$ زانو ۱۶۹ سانتیمتر $\frac{1}{3}$ ازشانه تا کمر ۷۵ سانتیمتر وزن ۶۴ کیلوگرم اخیرا موسسات تولیدخانه را بنام عادل زرتی بنا این تناسب پیدا کرده اند.

ذات و پریشانی بسر میبرد. در این میان کسی نیست فکر که فرهنگ مہترین علت و اساس ترقی است باید در مدارس آرد و باید حیات یادگار نفیس هیئت آلیانس را تجدید کرد و نسبت بفرهنگ معیوس سایر دبیرستانها آنرا تقویت نمود و بدینسان در عوض اینکه مدارس ما مانند سابق مایه رشک و مورد آرزوی دیگران قرار گیرد همه ساله بمرض مزمن و مسری کسر بودجه مبتلا میشود و بسایر شهر ستانها هم سرایت میکند (بجز مدرسه اتحاد همدان که بواسطه کفایت و لیاقت مسیو کاظمی مدرس و خانم محترم ایشان و بواسطه علاقه و تدبیر اهالی یکی بهترین و زیباترین و منظم ترین مدارس فرب ایران بشمار میرد و میتوان در مقابل هزاران خرابی شرم آور جامعه اسرائیل ایران آنرا یکی از مفاخر امروزی اسرائیل ایران دانست (۱۱) و بجای ارتقاء کلاسها و تبدیل دبستان بدبیرستان سعی میشود که دبیرستان را بدبستان تنزل دهند یا از تعداد کلاسها بکاهند یا معلمین ارزان قیمت استخدام کنند.

البته واضح است مطبیکه برای تعلیم شاگرد انتخاب میشود باید دارای تجربیات و معلومات کافی باشد.

یکی سپاه موآب حمله ور شده و آنرا از کشور خویش بیرون راندند در آن موقع قوم کنعانی که در شمال ارس اسرائیل ساکن بود برداری پهلوانی بنام «سیسرا» به طوایف نفتالی و ایساخار و یولون و آشر که در همسایگی او قرار داشتند حمله کرد و چون یروش برانب قوی تر بود و افراد طوایف مذکور بتنهائی از عهده قایله باسیسرا و سپاهش بر نیامدند از مسکن خود فرار کرده و بناب کوهستان افرائیم در مرکز کشور روی آورده زیرا افرائیم یک دره در مرکز جای داشت بواسطه دوری از همسایگان خارجی از تمام طوایف دیگر اسرائیل قوی تر بود. در این اوان زن دانشمند و تکلیه ای که هر کوههای افریم ساکن بود بنام «دبورا» (بامادر و تصحیلات مقدماتی خود را در مدارس آلیانس بدست آورده اند. در اوایل چون مدارس آلیانس در ایران پس از دارالطوایف متواری بر مسمند دآوری تقریباً منحصر موسسه فرهنگی ایران بشمار میرفت معصلین اسرائیل دانشمند تر از سایرین جلوه گر میشدند.

و در آنوقتیکه فرهنگی در ایران وجود نداشت جوار ابراست و شخص شعاعی را بنام اسرائیل ایران دارای مقام و شخصیتی بودند. ولی بدینسانه چاد «باران» از طایفه ایساخار اسرائیل ایران بهمان جلوه موقتی آتزمان اکتفا نموده و توانست بر برداری آنان گماشت و خود فکر کنند که تمدن جلو میرود و بایستی نسبت بشیرفت تمدن معاصر برای تقویت روحیه سپاه پیش رفت.

فرهنگ ایران در نتیجه تحولات حاصله نسبت بسابق جلوه افناد ولی اسرائیل ایران بجای پیروی از قانون سیر تکامل، همراه و ابراق اتفاق افتاد سپاه کنعانی دردم شکست و سیرا سردار گرفت و آن روزنه امیدی که داشت آن بدست یک زن اسرائیل کشته از دست داد و آن مؤسسه مفید را در نتیجه بی امانی و سهل انگاری و خواهی تبدیل بکانون یاس نمود که تاریخ سرود که در کتاب امروز نمیتوان کمترین امیدی از مدار آلیانس ایران داشت زیرا مردم باهویت فرهنگ بی علاقه و بی وفار بنبر میباشند. متوالین سردرد خود فرو برده و از حال برادران بی خبرند طبقه متوسط بفسکر ادا کردن خود و خانواده خویش است طبقه سوم از زندگی ما بوس و در نهایت

بشنوید ای پادشاهان و گوش کنید ای شهزاده کان من برای خداوند سرود میخوانم برای پروردگار خدای اسرائیل میسرایم در ایام و شکر برین عنات در روزگار «یا عل (۱)» جاده ها مسدود گشت. و آن نایکه از جاده های باریک عبور میکردند از راه های پر خطر و پر از دام حرکت نمودند رهبر و رهنا در اسرائیل پیدا شد تا اینکه من برخاستم من دبورا مادر اسرائیل بر خاستم بیدار شو بیدار شو دیو را بیدار شو و اشعار خود را بسرا بر خیزای باران بسرای نوعم و اسپر خود را در بندنا زبولون که ملتی سخت جان و ترشرواست در مردن و نفتالی که بر بلندبهای صحرا جای دارد بانفاق ستارگان آسمان در راههای خود باسیسرا جنگ میکنند... اینطور نابود میشدند دهمنات ای خداوند - و دهمنان دوستداران تو مانند آفتاب که غروب میکند قدرت خود را از دست میدهند چندی بعد طایفه میدیانی که در ماوراء ا - یا عل - نام زنی است که سیرا را بقتل رسانید



دائما بطوایف دان و بهودا که در همسایگی آت ساکن بودند حمله میکرد تا اینکه «شیشون» پهلوان نامی اسرائیل از میان طایفه دان برخاست و چندی مرتبه آنها را شکست داده و بوسایل گوناگون از ایشان انتقام کشید شیشون شخصی بود که مطابق قواعد مذهبی یهود از کودکی موهای خود را نمیشد و شراب نمینوشید و دارای قدرتی عجیب و قوتی خارق العاده بود بعد از اینکه مدتی فلسطینیان را از ترس او جرت خارج شدن و حمله کردن نبود عاقبت او را بوسیله دختر زیبایی بنام «دلیلا» بپنک آورده موی سرش را تراشید و چشانش را از حلقه بیرون آوردند و بالاخره در روز جشنی که بنا سبت اسارت شیشون در معبد بزرگ بت معروف «دافون» برپا کرده بودند وعده زیادی در آن شرکت نموده بودند شیشون با دوستی خود در آنجا بود که زیر سقف بتخانه بود تکانی داده در هم ریخت و بر اثر آن سقف معبد فرو ریخت و عده زیادی از حضار و خود شیشون کشته شده

از یک زندانی
خدای من ... این زندگی تنگین هر روز بیش از روز پیش مرا آزار میدهد و هر ساعت زیادت از ساعت قبل روحم را میفشارد ... آه رنج میبرم ، از همه چیز ، از همه جا .
از دیدن برهنگان آزاد که چرخ زنان و صغیر کنان از اینجا با نجا میبرند رنج میبرم . انوار طلایی آفتاب دلم را ببرد می آورد . خدا یا چقدر زجر میکشم ! دیگر نسیم مشکین فروردین روحم را نمی نوازد . شقایق خونین کوهستان جز نسکی بر ریش قلم نیست . تبسم دلپذیر کودکان زیبا لبهای پژمرده امرا از هم نیکشاید و چشمان سیاه دخترکان عشو ساز دلم را نیلرزاند .
زیبایی برای من مفهومی ندارد . تنها شنیدن ناله های جانسوز مرغان محبوس میتواند روح انسرده ام را تسلی دهد زیر انهم زندانی شده ام ... زندانی !
زجر میکشم از زندگی ، از هستی ، از آفرینش و از هر چه که بگوئید . تصور آزادی خونم را منجمد میکند و دلم را میفشارد زیرا محبوس شده ام دور از دیار و یار ، دور از خوشی کام ، دور از زندگی و دور از کلیه مظاهر حیات آیا این تحمل پذیر است !

اردن ساکن بودند با اشتران خود بزارع اسرائیل برهتی ایزرهل (دره ایزرهل) ساختند و بهانم آنرا کشته محصولاتشان را نابود کردند در این هنگام هم شخص زارعی از طایفه « منشه » بنام « گیدهون » قشونی جمع آوری نموده و از میان آنان سیمه نفر مرد جنگی جسور انتخاب کرده با نور مشعل و با فریاد « جنگ برای خداوند و برای گیدهون » بلشگر گاه میدان شیبخون زد گیدهون بادشاه میدان را کشته و دوتن از سرداران معروف آنرا بنام « ذوب و عورب » اسیر کرد در اثر این شکست طایفه میدان دیگر هرگز سر خود را در مقابل اسرائیل بلند نکرد

بقیه از قسمت قبل
ترجمه: کرمانیان
بیران نبود گیدهون را راهوت کردند که بیاس این خدمت خود و خانواده اش بر آنان فرمانروائی کند ولی گیدهون این دعوت را قبول نکرده چنین گفت : « من و نه فرزند من بر شما حکمرانی نمیکند خداوند بر شما سلطنت میکند »

یکی دیگر از داوران بزرگ و مشهور بنام « بیفتاح » موسوم بود که از کودکی رئیس یک دسته از ولگردان بود و بیک رفقای خود قوم خود را از دست طایفه بنی همون نجات داد و بیاس این خدمت نامدنی بر طایفه خود « منشه » فرمانروائی میکرد بزرگترین دشمنان اسرائیل طایفه پلیشیم (فلسطینیان) در جنوب ارس اسرائیل بودند

بقلم « یردن »
میدانم از دیدن برهنگان آزاد که چرخ زنان و صغیر کنان از اینجا با نجا میبرند رنج میبرم . انوار طلایی آفتاب دلم را ببرد می آورد . خدا یا چقدر زجر میکشم ! دیگر نسیم مشکین فروردین روحم را نمی نوازد . شقایق خونین کوهستان جز نسکی بر ریش قلم نیست . تبسم دلپذیر کودکان زیبا لبهای پژمرده امرا از هم نیکشاید و چشمان سیاه دخترکان عشو ساز دلم را نیلرزاند .
زیبایی برای من مفهومی ندارد . تنها شنیدن ناله های جانسوز مرغان محبوس میتواند روح انسرده ام را تسلی دهد زیر انهم زندانی شده ام ... زندانی !
زجر میکشم از زندگی ، از هستی ، از آفرینش و از هر چه که بگوئید . تصور آزادی خونم را منجمد میکند و دلم را میفشارد زیرا محبوس شده ام دور از دیار و یار ، دور از خوشی کام ، دور از زندگی و دور از کلیه مظاهر حیات آیا این تحمل پذیر است !

۱۲۷۰۷ یهودی وارد فلسطین شده اند
اورشلیم ۲۵ اکتبر خبرگزاری بالکور اطلاع میدهد آتای
دوبکین عضو انجمن اجراییه نایندگی یهودیان فلسطین اظهار
داشت که در سال گذشته ۱۲۷۰۷ مهاجر یهودی دارای ویزا بوده
وارد فلسطین شده اند و «سوختون» همه وسائل راحتی را در ارس
اسرائیل در اختیار آنها گذارده است .
از عده نامبرده ۷۵۰۰ نفر مشغول زراعت هده و بقیه بکمک
اقوام خود در شهرهای مختلفه زندگی میکنند .

دسته اول یهودیان بلغارستان وارد فلسطین شدند

اورشلیم ۲۵ اکتبر - (بالکور)
اولین دسته یهودیان مهاجر بلغارستان
بوسیله کشتی ترکیه موسوم به «Atrsu»
وارد حیفا شدند - این دسته شامل ۱۵۰
نفر میباشد که عده حالاتس و ۱۰۰ نفر
بچه جزء عده نامبرده میباشد .
بعلاوه حکومت فلسطین ۶۰۰ ویزا
در اختیار کنسول انگلیس در صوفیه گذارده
تا یهودیان از آن استفاده کنند .

یهودیان مهاجرت «غیر قانونی»

را نمیشناسند

۱۱۲۷۷ یهودیان فلسطین که
عده آنها امروز بالغ بر ۶۰۰۰۰۰

نفر میباشد با همه گونه و مساللی که در اختیار دارند حاضرند در
هر موقع واردین جدید یهودی را بارس اسرائیل استقبال و مساعدت
کنند اعم از اینکه ویزا داشته و یا نداشته باشند .

اخبار رادیو مخفی فلسطین

اورشلیم ۱۰ اکتبر (از بالکور)

استاسیون مخفی رادیو فلسطین که خود را بنام «ندای اسرائیل»
از طرف نهضت مقاومت یهودیان « میانمندی روی موج متوسط ۴۵
شروع بصحبت کرده و یکی از سخن گویان رادیو نامبرده ضمن پیش
اخبار بزبان عبری و انگلیسی اظهار داشته است در صورتیکه مهاجرت
یهودیان محدود و مناه کتاب سفید اجراء شود انگلستان نباید امید
بصلح با یهودیان را داشته باشد و اضافه میکند که دروازه های فلسطین
باید بروی یهودیان باز شود .

۷۵۰۰۰۰ هزار لیره برای ساختن ۱۰۰۰۰۰ اطاق

اورشلیم ۲۴ اکتبر خبرگزاری بالکور اطلاع میدهد
شهرداری تل آویو با ساختن ۱۰۰۰۰۰ اطاق که معارج آن ۷۵۰۰۰۰
لیره بر آورد شده موافقت کرده است اطاق های نامبرده مورد
استفاده مهاجرین تازه وارد و جنگجویان سابق یهودی قرار خواهد
گرفت .

۲۰۰۰۰۰ لیره از حکومت فلسطین بعنوان قرض گرفته خواهد
شد و بقیه آن از بانک رهنی «سوختون هیپوهیت» و دیگر منابع
تامین خواهد شد .

اجتماع بزرگ اسفت هنیو جاریم (مجمع هتخیین)

مسئوداویدین گوربون رئیس اجراییه خبرگزاری یهود در انجمن اسفت
هنیو جاریم که در ۲۸ نوامبر در تالار روزن بلوم دانشگاه یهود تشکیل
گردیده بود اعلامیه مستر بوین را راجع سیاست فلسطین تشریح
نمود .

جلسه را مسیو پریزاک در حضور ۱۷۱ نایندگی افتتاح کرد
پس از آن آقای بن زوی رئیس و عدلومی گزارشی راجع بوضعیت

یهودهای اروپا در خاورمیانه تقدیم نمود سخنران راجع باین موضوع
زیاد اصرار کرد که : درست در موقتی که یهودها اینهمه در تمام
در رنج و هزاینه در همین موقع هم دروازه های فلسطین را بر
آنها می بندند -

سیس نایندگی گیت حیم (همان دسته ای که زجرهای زیادی
طرف قوای انگلیس تحمل کرد) با دست زدنهای مسته حصار پش
تریون رفته و بیانات زیر را نمود :

« من آمده ام بگویم که هیچ حقیقی از عهد نامهای رسمی
در گیت حیم شفاعیم و ریشون وجود نداشته است حتی یک تیر
توسط یهودها بر ضد قشونی که بر
تحریک آنها آمده بود خالی نشده است
این عملیات برای این منظور
آمده که ما را شاید در نظر جهانیان
تعقیب نمایند .

این اعلامیه توسط اسحق بن هارون
بمیل آمد و او همان شخصی است که
۴ سال در آلمان در اسارت زندگ
کرده و اخیراً بوطن خویش بازگشته است
ناطق اصلی آقای داویدین گوربون
مدت دو ساعت جلسه را مشغول کرد
بود زیرا که او نیازگی از آلمان برگشته
و در آنجا بازداشتگاهها ، اطاقهای کار
، کوره های سوزان را دیدن نموده ،

بعلاوه افتخار شرفیابی بحضور فرمانده قوای مصرنی آلمان
و مخصوصاً ژنرال ایزن هاور و رئیس ستاد او ژنرال بکل اسمیت را
هم پیدا نموده بود .

بلاخره اطاق بمق موضوع خود « اعلامیه بوین » پیش
اصل استهلاک سیونیس فرورفته و گفت :

این اعلامیه دو جانبه - مخالفت انگیز - مبهم است . هیچگونه
توضیحی از سیاست عملی راجع بفلسطین در آن داده نشده است .
لکن لوبربارتی همیشه طرفداریک کانون ملی یهود با اکثریت یهودی
بوده است . هیچگونه وجه تشابهی برای ملت یهود و کانون ملی یهود
در کتاب سفید وجود ندارد .

آقای بوین هیچ چیز مگر مالشها را در فلسطین نمی میخواهد
او آن توسعه ای که از ۲۵ سال با بنظر راجع بثروت یهودی تمام
قسمتها و جمعیت آن پیدا شده نمی بیند .

مضو بوین از صحبت کردن راجع بکساییکه در وطن غیر
زندگی کرده و فشارهای هیتلری را تحمل کرده اند اهلان کرده است
در کنفرانس مطبوعاتی خود با جادا کردن سیونیس از یهودها
چنگ را بصیونیس اعلان کرده است مقصود او اینست که اعلامیه بالفور
را خراب کند .

در مجله آینده خود متن تصمیمی که باتفاق آراء انجمن قبول
کرده درج خواهیم نمود .

خواندن سرود هتیکوا

۱۳۰ نفر مردی که در اداره بررسیهای شهربانی هوکلا و
گیت حیم بازداشت شده بودند از پست اقلیت بیست لائوتون
منتقل شده اند .

موقعیکه قطار ترن از کوچه های رمت گان عبور مینماید اهالی
آنجا می شنیدند که آنها مشغول خواندن سرود هتیکوا بودند . همه
دیگر از حالوصیها که شماره آنها به ۱۷۰ نفر و از پیش زبشرون
بمقوب بودند در ۲۸ نوامبر به اقلیت فرستاده شده اند . این همه
را روز قبل دستگیر نموده بودند در صورتیکه در همان موقع شیور
زده شده بود باز هم آنها مشغول خزیدن و فرار کردن بودند



تأسیس کلنی



جووانان کلنی میسمرت در حال حمل مصالح ساختمانی

در تاریخ ۹ نوامبر پنجمین ازبازنده کلنی ای که قرار بود در ماه
نوامبر تأسیس شود افتتاح گردید چهار تا کلنی قبلی در گالیل علیاروز
۲ نوامبر (مصادف با تاریخ اعلامیه بالفور) تأسیس گردیده بود .
کلنی جدید درکنار دریا واقع است و عتیقه شناسان براین عقیده
اند که این محل همان شهرستان سابق (جدر) است که درکتب رومی نامبرده
شده است و اتفاقاً حفاریات اخیر نشان داده که مقدار زیادی از ظروف
کهنه آنجا متعلق بهمان ادوار میباشد .
در این ده بملیات صید ماهی و کشاورزی توسعه داده خواهد شد
اشخاصی که در اینجا مقیم هستند اغلب از جنگجویان سابق میباشند و
بسیاری از آنها در جریه انگلیس خدمت کرده اند .

این کلنی جدید بیست و پنجمین کلنی واقع در اراضی
چین دارای دو شخصیت
برجسته میباشد ژنرال البسم
چیانکا چیک در چونک
کینک و ژنرال مائوتسه تونک در بنان .

این دو نفر مدت ۸ سال باهم در جنگ می باشند ولی عنقریب
صلح خواهند کرد . ژنرال مائوتسه تونک راناپلئون چینی لقب داده اند .
در سال ۱۹۳۷ نیروی چین کاپچک به نیروی مشارالیه حمله و او را مجبور نمود
تا ایالت جسی عقب نشینی نماید چون ایالت نامبرده کاملاً مستحکم می باشد
نیروی دولت مرکزی ایتوقف شده است .
شهر بنان پایتخت کونیست ترقیات زیاد نموده و روز بروز توسعه
می یابد و در مدت قبلی یکی از مراکز مهم جدید سیاسی چین خواهد شد .
در این شهر خیابانهای بزرگ و مهم احداث و برانه و کلبه های

عمله ها تبدیل به
سر باز خانه و بنا
های عمومی شده اند
مرکز کونیست در
قسمت دانش هم
بیشرفت کرده است
این تغییرات مستلزم
داشتن بودجه کافی
میباشد ولی مائوتسه

عمله ها تبدیل به
سر باز خانه و بنا
های عمومی شده اند
مرکز کونیست در
قسمت دانش هم
بیشرفت کرده است
این تغییرات مستلزم
داشتن بودجه کافی
میباشد ولی مائوتسه

مائوتسه تونک یا ناپلئون چین

زیرا ملت هم باین ترتیب پرداخت عادت کرده است .
امروز ۹۰ میلیون کاملاً مسلح تحت تسلط ژنرال مائوتسه می
باشند . نیروی کونیست بیشتر در خاور چین ساکن و از شکست ژاپن
باین طرف اسلحه آنها تکمیل تر و با اینکه نمی توان ارزش حقیقی آنها
را معین نمود معینا نباید آنها را بدون اهمیت تلقی کرد .
مائوتسه هم یک ژنرال و هم یک دیپلمات خوب می باشد و ضمیمت مشارالیه
نست بچیان کاپچک در موقع تسلیم ژاپن بیهوده ضعیف تر بود . گمان میرود
مسافرت اخیر مستر تونک بسکو اطمینان خاطر زیادی در مقابل کونیستها
بدولت چونک کینک داده است . مائوتسه برای مذاکره با چیان کاپچک برای
اولین مرتبه با هوایما
بچونک کینک پروازویس
از چند هفته با موقیت
مراجعت نمود این
موقیت عبارت بود
از شناسائی رسمی
قسمت کونیست .
مائوتسه شاه
شاهه چیان کاپچک
در نبرد با ژاپونها
شرکت کرده است و

جووانان «عمق حفر» با کمال اشتیاق و خوشحالی بطرف خلیج «ابوزبور» (کلنی میسمرت) برای تشویق کارکنان آن کلنی میروند



جووانان کلنی میسمرت در حال تشویق کارکنان آن کلنی میروند



رؤسای (حلو صیم) کارگران میسمرت بطرف خلیج «ابوزبور» برای بازدید خرابیهای تاریخی بندر قدیم میروند

وسیع (۰ ۶۵۸ ۰ ۶۵۸) است که از سال ۱۹۲۹ تا کنون متعلق
به ۶۰ p ۳۰ بوده و همانجائی است که سر جان سپسون نسبت بآن مشکوک بود
که آیا این زمینها میتواند روزی قابل سکونت شوند و آیا بیش از ۲۰۰
یا ۳۰۰ نفر بدوی که در آنجا زندگی میکنند کسی خواهد توانست در
این سرزمین اقامت نماید .
ترجمه المازار کهن صدق

اگر با قدری فشار
هم شده است از
ملت دریافت میکند

زیرا ملت هم باین ترتیب پرداخت عادت کرده است .
امروز ۹۰ میلیون کاملاً مسلح تحت تسلط ژنرال مائوتسه می
باشند . نیروی کونیست بیشتر در خاور چین ساکن و از شکست ژاپن
باین طرف اسلحه آنها تکمیل تر و با اینکه نمی توان ارزش حقیقی آنها
را معین نمود معینا نباید آنها را بدون اهمیت تلقی کرد .
مائوتسه هم یک ژنرال و هم یک دیپلمات خوب می باشد و ضمیمت مشارالیه
نست بچیان کاپچک در موقع تسلیم ژاپن بیهوده ضعیف تر بود . گمان میرود
مسافرت اخیر مستر تونک بسکو اطمینان خاطر زیادی در مقابل کونیستها
بدولت چونک کینک داده است . مائوتسه برای مذاکره با چیان کاپچک برای
اولین مرتبه با هوایما
بچونک کینک پروازویس
از چند هفته با موقیت
مراجعت نمود این
موقیت عبارت بود
از شناسائی رسمی
قسمت کونیست .
مائوتسه شاه
شاهه چیان کاپچک
در نبرد با ژاپونها
شرکت کرده است و

بچونک کینک پروازویس
از چند هفته با موقیت
مراجعت نمود این
موقیت عبارت بود
از شناسائی رسمی
قسمت کونیست .
مائوتسه شاه
شاهه چیان کاپچک
در نبرد با ژاپونها
شرکت کرده است و

« حساب عصر اتم! یا انتقام وارونه! »

یهودی در بیخ و خم سیاست

این روزها سر و صدای فراوانی راجع به محکومین بتل یهودیان و جنایت کاران جنگ در جهان برافزوده و بعد نیست که با همین شوخی‌های بیگانه کلاه سرور این کشته‌شدگان گذاشته و خون آنان را پایمال کنند، آلمانها یاد بگردن و لایحه‌های فاسد رسماً انتقامشان نسبت به یهودیان چنین بوده که در مقابل قتل یک نفر از افراد خود صدها و بلکه هزاران نفر را میکشند و برای جبران هر خسارتی که نقطه‌متناسب یک نفر یهودی بود میلیونها برابر از دیگر یهودیان بی‌گناه بزرگی گرفتند و بدین ترتیب بود که بالغ بر شش میلیون نفر از یهودیان اروپا را بکافور هلاکت افکندند و اموالشان را نیز غارت نمودند و امروز که صحبت از دادخواهی بیان آمده برای اینکه سر و صدای یهودیان نسبت به دادخواهی کشتگان خود بخوابد غالباً روز نامه‌ها و حتی نشریات خود یهودیان هم با عنوانهای درشت می‌لویسند که جزای قاتلین یهود داده شد و تبهکاران به مجازات خود رسیدند و یا در انتظار سرنوشت خود در گوشه زندان‌ها نشسته اند و حتی فراموش میکنند که قربانی‌های نیمه جان و باقی مانده نجات یافتگان از دست همین خونخواران هنوز با وضعی پست و بدتر از قاتلین و مجرمین خود در بازداشتگاهها انتظار مرگ را میکشند. نکته حسابی اینجاست که آلمانها برای انتقام یک خون چندین هزار نفر را بدون معا که میکشند ولی ما برای انتقام شش میلیون نفر یا بیشتر دل خود را بدان خوش کرده‌ایم که در عوض پنج‌شش نفر را آنهم با احترام معا که کرده و شاید مجازات میکنند من هر چه فکر کردم رابطه و تناسب حسابی بین این دو انتقام نیافتم. و شاید شما هم نیابید.

با این وجود ایکاش در بین سی اشغاکه اکنون با اصطلاح محکومند فقط بکنفر هم عنوان جرمش آزار و قتل و غارت یهودیان بود ولی انوس که این هم نیست و حتی اشغالی هم که هر کشورهای دیگر از جمله رومانی بعنوان قتل یهودیان مجرم شناخته شده اند با در معا که تیره می‌شوند و با این که بعد از صدور حکم محکومیت بوسیله مراجع صلاحیت دار بهشیده می‌شوند و با این وصف دنیا هنوز این تشویق غیر مستقیم از قاتلین یهود را چشم بسته بحساب انتقام می‌آورد آنانی هم که با دیده بصیرت این موضوع را در می‌یابند و می‌خواهند خود را از مشاهده این مناظر و شر حوادث شبیه بآن نجات دهند و بجای دیگری بروند خود را در یک چهار دیواری عظیمی ملاحظه میکنند که نه راه پیش دارند و نه راه پس! این صحنه هم یکی از حزن انگیز ترین پرده‌های کمدی کالوت سیاه است که ملت یهود را بسر-کیچه انداخته است.

برای او هیچ مانی ندارد که بنیروی چنانک بچک حمله و با از حمله او جلوگیری نماید. یکدفعه دیگر نیز مالتونه بنا به نصیحت مسکو در مقابل نیروی مرکزی عقب نشینی نمود. با این وضعیت قسمت اصلی هنوز حل شده است ترجمه: هفتاد و هفت لوانی

یک محاصره مفید!؟

بقلم «دک»

بهرمند سازد زیرا تجدید حیات یک قوم و تجدید بنای یک کشور را بر اساس کشاورزی نباشد پایدار نخواهد بود و ملت یهود هم لازم است که بتواند حد اقل مصارف فلاحتی و کشاورزی خود را بادت خویش آماده سازد ولی این جریان بدون مانع و بی‌زحمت ادامه نیافت عوامل زیادی از داخل و از خارج از جمله بحران‌های جهانی و بی‌تجربگی مهاجرین باعث کندی این عمل و گاهی هم باعث قطع شدن آن میگشت و حتی در بعضی از اوقات مساعد کشاورزان یهود بواسطه ارزان تر بودن محصولات اعراب دست از کار کشیده و از دهات روستاها گذارده بکارهای دیگری مشغول میشوند و بدین ترتیب بادست خویش کشور خود را بهطر میانداختند و امروز که اجباراً یثوب باید قسمت اعظم مصارف خود را خودش تهیه کند بحکم ضرورت شهر نشینان از شهرها بطرف دهات و کوهستان روی آورده و کشاورزی همانطور که باید باشد مهمترین امر حیاتی آنان خواهد شد. گرچه امروز هم زندگی کشاورزی در فلسطین اکثریت دارد ولی به از این که احتیاجات یثوب از این حیث کاملاً بوسیله خود یهود تامین شود و این امر تثبیت گردد میتوان مطمئن بود که یک جامعه نوینی در جهان قرن بیستم بوجود آمده و پابرجا خواهد بود.

البته در قسمت صنایع یهود در فلسطین خسارت بیشتری وارد خواهد شد زیرا که مشتری قسمت اعظم محصولات صادراتی کارخانه‌های فلسطین کشورهای عربی می‌باشند ولی این موضوع هم موقتی بوده و با در نظر گرفتن آنکه خسران این امر را میتوان با کمکهای مالی که از جانب یهودیان جهان و مخصوصاً موافقین آمریکائی و بالاتر از همه سرمایه‌های صیونست میرسد جبران نموده میتوان بتدریج نوع کالاها را مطابق احتیاجات تهیه داد و صنایع یهود را نیز در فلسطین از خطر تحریمات و هوسهای افندیبا در امان داشت.

خوانندگان عزیز اطلاع دارند که چند روز پیش روزنامه‌ها در ضمن اخبار خارجه خبری راجع به تصمیم اتحادیه اعراب راجع به محاصره اقتصادی یهودیان فلسطین درج نمودند که بر طبق آن کشورهای عربی عضو اتحادیه از خرید کالا های محصول فلسطین «توصرت ما آرس» امتناع ورزیده و در حقیقت آنها را تحریم نموده اند و بملاوه صدور هر نوع کالای لازمی را به فلسطین یهودی نشین بتوسط کشور های عربی ممنوع کرده و برای ضمانت اجرای این دستور گوشزد کرده است که متظلمین بشدیده ترین مجازات ها محکوم خواهند شد ما کاری نداریم که به بینیم این دستور و تصمیم آیا واقعا قابل اجرا میباشد یا خیر و آیا اجرا میشود یا خیر اما قصد ما آنست که بخوانندگان خود بهمانیم که اگر هم این امر قابل اجرا بوده و بمرحله عمل در آید علاوه بر آنکه هیچ گونه خسارت اساسی و قابل دوامی به «یثوب» یعنی ساکنین یهودی فلسطین وارد نیآورد نتایج آن حکم مؤثری به تامین هدف و برنامه نهضت ملی یهودیان جهان خواهد کرد.

البته متکرر آن نباید شد که این محاصره موقتا با اقتصادیات یثوب و مخصوصاً به صادر کنندگان محصولات و صنایع فلسطین لطمه وارد میآورد و شاید تا اندازه‌ای هم از لحاظ مواد غذایی مورد لزوم آنرا در مضیقه گذارد ولی برای درک آنکه چگونه در رسیدن به هدف یهودیان را باری خواهد نمود لازم است اندکی بتاریخ معاصر یهود و زندگی در فلسطین متوجه شویم:

قبل از پیدایش جنبش جدید صیونیزم تقریباً تمام یهودیان جهان بشاغلی غیر از کشاورزی اشتغال داشتند و شماره یهودیانی که در کشورهای مختلف کیتی بطن کشاورزی آشنائی و یا لاقلاً علاقه ای داشته باشند بسیار کم بود و جوامع یهود نیز برای تبدیل و تغذیه مضایب ملت خویش هیچگاه وسایل کشاورزی شدن افراد را فراهم نموده و حتی فکر آنرا هم نمیکردند و اصولاً موقیت یهودیان

کالوت دست زدن با این امر را اجازه نمیداد بآن نتیجه ملت یهود که در ایام قدیم ملتی کشاورز بوده بتدریج صفات و خصایل پدران خود را فراموش کرده و بکلی از کار طبیعی رویگردان شد ولی مؤسین و بانیان نهضت جدید پیشرفت نهضت و وصول هدف خود را در صورتی ممکن میدانسته که ملت یهود از صورت یک ملت مصرف کننده و واسطه خارج شده بشکل ملتی مولد در آید و بامور کشاورزی و صنعت آشنا شود هر صصل پیشوای صیونیزم میگفت:

«موقیتکه ملت یهود کالوت آهت و خیش بدست گیرد نجاتش از کالوت میسر خواهد شد» و برای همین منظور زراعت و کشاورزی مبنی و اساس جنبش جدید قرار داده شد و موسسات عظیمی برای تحمل کردن این مقصود ایجاد گشت بزرگترین سرمایه های صیونست در فلسطین و کالوت صرف این امر شد آبادی و عمران فلسطین تحت اشکال کلنی‌ها و دهات کشاورزی انجام گرفته و مهاجرین جدید بلافاصله پس از دوران استراحت بیکی از این کلنی‌ها که روز بروز با کار دسته جمعی توسعه مییابد رهبری میشوند تبلیغات صیونست سعی می‌کنند که روح یهود و مخصوصاً طبقه جوان آنرا با طبیعت آشنا سازگار کند و بواسایل ممکنه آنرا از شهر بهدهات و از دهت بکوهستان بکشاند در کشورهای کالوت مزارع آموزشی تعیین میشود تا مهاجرین را قبل از آنکه کشاورزی مطابق آخرین سیستم آن

ترجمه: یسنکر «او تو امانسیاسیون» یا آزادی خود بخود

این معای کهنسالی که «مسئله یهودش» مینامند هنوز باعث تاثیر خاطر میگردد در حالیکه همیشه بشکل معای لایبعلی جلوه میکرده است بر عکس اغلب جزو مسائل آتشین و مهم روز بشمار می‌آید.

زیرا مسئله یهود فقط از لحاظ تئوریک پیش کشیده میشود چون هر روز ظهور آن در زندگی معمولی تجدید میشود بیش از پیش محتاج یک راه حل انتقاری آری میباشد.

بنظر ما نقطه اساسی و بیخ استدلال مسئله در اینجاست که: یهودیان در میان مللی که زندگی میکنند تشکیل یک عنصر کاملاً غیر متشابهی میدهند که هیچ ملتی نمی تواند وجود چنین عنصری را تحمل کند و در اینصورت عنصر از همه جا رانده مزبور میکوشد و سبب بدست آورد تابواند با اجتماع ملل بطریقی متشابه و مغتنظ گردد که مسئله یهود برای همیشه از روی زمین محو شود.

واضح است که ما نمیتوانیم موضوعی را که تحقق آن از دسترس ما دور است حتی در ایام ماشیح (آخر الزمان) هم که اختلاف و نزاع وجود نداشته و ملل غرق انسانیت خواهند شد بشکل یک هم آهنگی مطلق در آوریم در آن دوره هم بشرطی عملی خواهد بود که افکار و آرزو های ملل بجای برسد که بین خود یک قرار قابل تحلی در زندگی بنا نهند.

اکنون ما از یک صلح دائمی بسیار دوریم اما روابط بین ملل را بخوبی میتوان بوسیله مواقت‌هایی که مشروط بمقوق افراد باشد یاعهدنامه‌ها و خصوصاً بوسیله متشابه ساختن موقیت و ادعاهائی متقابل و احترام متقابل منظم نمود.

در مقایسه بین ملت یهود با اقوام دیگر یک چنین تشابهی در موقیت آینه‌نیشود زیرا پایه و اساس احترام متقابلی که روی حقوق اشخاص و عهدنامه‌ها بنا شده و بوسیله همانها ضمانت شده باشد در اینجا موجود نیست ولی هر گاه یک مرتبه این پایه و اساس فقط هنگامیکه تساوی ملت یهود با دیگر ملل عملی شود به یهودیان داده شود میتوان مسئله یهود را حل شده پنداشت.

یک چنین تشابهی در ایام باستان یعنی از آن روزهاییکه یاد کارش بدست فراموشی سپرده شده وجود داشته است و تا هنگامیکه شرکت ملت یهود در فهرست ملل دیگر یک خیال واهی باشد ظهور و تجدید برقراری آن تشابه امکان پذیر نخواهد بود.

گفته‌های انیشتین

خود و برادران را از دریچه چشم خویش نگاه کن نه از چشم اشخاص غیر یهودی.

مخالفت عده زیادی از ملل جهان بر علیه یهودیان نتیجه گناه ما نیست بلکه فقط در اثر ضعف خود آنانست.

بخاطر داشته باش که یهودیان فقط وارث توحید نیستند بلکه ملت مشخصی هستند متتها ملت بی کشور.

کوروش کبیر و فتح بسابل

نمایش باشکوه و مجلل تاریخی با اشتراک میرز ترین هنریشان یهود تنها نمایش سال است که خون هراترانی میهن دوست را بجوش آورده و روح با عظمت و استقلال ایران کهن را بیاد می‌آورد.

بناسبت با بان یافتن مدت مأموریت آقای «دان گیلبرت» نماینده قرن قیمت اسرائیل در تهران در شب دو شنبه سوم دیماه مجلس تودیع از طرف آقای موسی طوب منقد گردید.



تلگرافی از رضایه

بطوریکه معبر ما تلگرافاً از رضایه اطلاع میدهد اثر جریانات اخیر تا کنون یهودیان آنجا آسیمی وارد نیامده است.

بازدید کارگاه نجاری

در نتیجه بازدید کارگاه نجاری که اخیراً از طرف هیئت هنر پیشگان یهود تأسیس شده ملاحظه گردید که فقط دو نفر کارگر با دو دستگاه مشغول کار هستند و آقای حبیب الله خانی متصدی کارگاه در جواب سئوالاتی که از ایشان بعمل آمد اظهار داشتند که بواسطه عدم پرداخت تعهدات هفتگی آنها در نمایش جزای روزگار کارگاه قریباً مجبور به تعطیل خواهد شد.

اراک

طبق اطلاع رسیده ازاراک اخیراً بین اسرائیل های آن شهرستان دودستگی بوجود آمده و حتی در کنیسهام جار و جنجال برپا شده است. ما در این خصوص مشغول تحقیقات کاملتری میباشیم.

تیم فوتبال اردن

تیم فوتبال کلوب ورزشی اردن که از کلوبهای معروف اسرائیل تهران میباشد امسال نیز مانند سنوات گذشته جزء دست - چات آزاد نام نویسی نموده و برای شرکت در مسابقات عمومی کشوری روزهای شنبه و ۴ شنبه در زمین دانشگاه تهرین مینمایند.

درآمد و هزینه کنیسه ها

از قرار اطلاع رسیده بعضی از هزینه کنیسه ها صورت هزینه و درآمد های کنیسه را مرتباً نگاهداری ننموده و این قضیه موجب بعضی سوء تفاهات شده است ما نظر آقایان مسئولین کنیسه ها را بدین نکته جلب می نمایم.

اطعام فقرا

روز ۳ شنبه ۱۱ ماه جاری بناسبت یکمین سال فوت آقای یوسف ابراهیم زاده پسر ایشان عده ای از فقرا را اطعام نموده اند.

قصایخانه

از قرار اطلاع واسله قریب یکماه است که قصابان اسرائیل اجنابانی مینمایند و از بهائی که از طرف همداری تعیین شده خیلی زیاد تر می فروشند و حتی گوشت هم کمتر از مصرف معمولی آورده و میآورند که مردم در مضیقه باشند تا بتوانند بهر قیمت که بخواهند بفروشند ما در صد تحقیقات کاملتری میباشیم که بعداً منتشر خواهد شد -

«در کتو»

مدتی است نامه ای در کیبوتس رامت هکوش واقع در فلسطین بزبان عبری و فارسی منتشر میشود که باروش بسیار زیبا و نوشتجات متن و دلنشین خویش علاقمندان زیادی در بین فارسی زبانان فلسطین و ایران بدست آورده است و در شماره اخیر خود مخصوص (خنوکا) در تقریظ از عالم بهبود شرح مفصلي نوشته و از عالم بهبود و نویسندگان آن تجیه نموده است و اظهار امیدواری کرده است که به خدمات فرهنگی در بین یهودیان ایران موفق شود.

تیم فوتبال همت

«کلوب فوتبال همت» در تحت سرپرستی آقای ابراهیم ملامد که از جوانان ورزشکار میباشد و در ۱۳۰۹ تاسیس شده در تاریخ ۲۶ آذر ۲۴ نامه ای تحت شماره ۱۸۳ به اداره تربیت بدنی نوشته و تقاضای شرکت در مسابقات دستجات آزاد نموده اند.

باشگاه ورزشی (برادران اتحاد)

بطوریکه اطلاع رسیده باشگاه ورزشی اتحاد پس از مدت کوتاهی رکوه اکنون بار دیگر پس از تجدید سازمان خود تحت سرپرستی آقای نعمت الله پور بابا (بابا باب) که از جوانان ورزشکار سابقه اسرائیل است مشغول کار شده است و ورزشگاه مزبور که دارای وسائل مختلف ورزش از قبیل ورزشهای باستانی، تشک کشتی، هالتز صفا، پارال، پارکیس، حلقه و بینک پنک است همه روزه از ساعت چهار تا ۹ بعد از ظهر علاقمندان اسرائیل را میپذیرد.

ضایع و احوال یهودین شهرتارنا

آبادان

ایسرالهای آبادان تشکیل شده اند از يك عده اسرائیل عراق عرب و ایرانیان اهل کرمانشاه، همدان، اصفهان، شیراز، بوشهر و غیره - جمعیت آنها تقریباً ۸۰۰ نفر است که ۲۰۰ خانوار را تشکیل میدهند. شغل عده آنها تجارت، یزازی، خرازی و اکثر آنها عضو شرکت نفت میباشد. از این عده ۵ خانوار متمول و بقیه طبقه دو سه محسوب میگردند. امور ملی آنها کاملاً مختل - اتحاد و اتفاق ندارند - دبستان ملی ندارند فقط هاری يك کنیسه هستند که وضع آن چندان رضایت بخش نیست قصایخانه آنها رایکنفر غیر اسرائیل اداره میکند - طرز رسیدگی بامور فقرا خوب نیست. چون اسرائیلهای این شهرستان از اهالی شهرهای مختلف تشکیل شده اند دارای اختلاف عقیده میباشد برای رسیدگی بامور داخلی خود چندین مرتبه بدور هم جمع شدند ولی متأسفانه موقتی حاصل ننمودند. فرستنده لاله زار کهن درویش عالم بود: باید دانست که ترقی اسرائیل فقط در تحت تشکیلات منظم و یکتکی صورت پذیر است ما از برادران آبادانی خود انتظار داریم برای اصلاح وضع پریشان خود همتی بکارند و توافق نظر و یک رنگی در بین خود ایجاد نمایند.

«برای زنان بس بود این هنر نشینند و زاینند شیران نر» در جواب!

آقای مسیح سلیمانی - اولاً خیلی متأسفم که چرا تمام مقاله شما چاپ نشده بود تا بیشتر بفکر بدیع و شمعش جنابمالی بی بیریم شاید نظر لطف آقای مدیر بوده است بهر جهت «مشت نونه خروار است» - ثانیاً اینکه که قلم در دست گرفته و میخواهم چند کلمه ای برای حقوق و آزادی زنان بنویسم تصور نفرمایید که فقط مقصودم جواب بمقاله شما بوده است - خیر مقاله شما آنقدرها احتیاج بجواب ندارد چون بدون رودر - پاسی منطق شما در این باره و مخصوصاً تشبیه شما (مربوط بدرخت گل و میوه) با اندازه ای ضعیف است که محتاج بحث و مشاوه نیست - بهر صورت باز هم بد نیست قبل از اینکه سر مطلب بروم قدری در خصوص این مقاله گفتگو کنیم.

برای زنان

در زمین با نر ساکن بودن بهتر است از بودن با زن ستیزه گر و جنگجوی سلیمان پادشاه

- ۴۴ - شوهرت را هیچگاه بیب خدادادش سرزنش مکن
۴۵ - کلدان های گلی را که شوهرت خریده مواظبت کن و هر روز سر موعد آنها را آب بده
۴۶ - در کارهای خیر بجاوانت شوهرت شرکت کن
۴۷ - کنجکوی در نوشتجات شوهرت مکن ولو برای مشوخته اش نوشته باشد.
۴۸ - اگر خودت قادر بپاک کردن گوشه های اطاق خوابگاهت نیستی به شوهرت یاد آوری کن تا آنرا تمیز کند.
۴۹ - طفل خود را بدرسه فرستاده ضمناً خودت نیز تا حد مقدور او را در تعلیم و تربیت کمک نما
۵۰ - هیچگاه دخترت را با جبار شوهر مده و پسرش را نیز مجبور مکن تا فلان دختر را بستاند. بگذار در پسند همرس آزاد باشند ولی تو و شوهرت در آن نظارت داشته باشید که اگر راه خطا می بینایند متوجهشان کنید.
۵۱ - در تابستان آب خنک برای شستوی باهای شوهرت حاضر کن و اگر زمستان است میتوانی روی بخاری آب گرم تهیه نمایی این عمل تو را محبوب خواهد نمود.
۵۲ - اگر ضرری متوجه شوهرت شده او را بعلت خیطی که نموده سرزنش مکن بلکه او را در اول دلنداری بده و بعد در موقع مقتضی از خیطی که نموده آگاهش ساز
۵۳ - طفل احساس نمیکند که این برتگاه است یا خوابگاه تو همواره متوجه او باش تا آسیمی واردش نشود.

«ر. خالبری»

آقایان، زنان میل ندارند برای تأمین میشت اینطرف و آنطرف بدوند چون ما میدانیم وضیعت جسمانی و عقاید ما با این امور مایبست دارد. زن میخواهد در آموزش - زناشویی - خانه و اجتماع تا اندازه ای در خارج آزاد باشد و هر چه صلاح اوست تحصیل کند. زن میل ندارد زیر تحکم و باصلاح (توسری خور) مرد باشد زن میخواهد روابط مرد با او مثل روابط ارباب و برده که در قرون وسطی رایج بوده باشد وی میل دارد کاملاً وسد در صد از سهم خود در شرکت زندگی و اجتماع برخوردار باشد زن میخواهد آنقدر در زندگیش بصیر و آگاه باشد که وظایف مختصه خویش مخصوصاً مادری و شوهرداری را بنحو اتم و اسکل انجام داده و برای مردان سر مشق زندگی باشد.

ما گول آن شیادها را نمیخوریم که میگویند حتی خدا با آزادی زن مخالف است. نگاه کنید ببینید خود بستی و غرور را تا کجا رسانیده اند که حتی خدا را هم هم فکر و هم عقیده خویش میدانند - خیر بدانید که خداداد خلقت زن و مرد از لحاظ حقوق اجتماعی فرقی قائل نشده است و در هیچ جای کتب مقدسه تصریح فرموده که زن حتماً باید زیر یوغ استبداد و دیکتاتوری مرد باشد.

اطاعت از شوهر در امور جاری زندگی امری علیحده است چرا میخواهید در زیر این نقاب عوام قریب نیمی از مردم جهان را فقط برای خود بزر زنجیر اسارت و بردگی بکشید؟ - ولی انوس هر چه دست و پا کنید کمتر نتیجه خواهید برد برای اینکه تحول زندگی این حقوق مسلمه را بزنان جامعه یهود ایران نیز اعطا خواهد نمود، چه شما بخواهید و چه نخواهید. کما اینکه میلیونها از نسوان اسرائیل ممالک دموکراسی بعقوق حقه خویش رسیده اند. پس هر چه بیشتر داد بزیید بیشتر خود را رسوا کرده اید.

تصحیح کنید: از خوانندگان گرامی خواهش شده است لغات زیر را که اشتهاها در قسمت قبل (تاریخ یهود) چاپ شده بود باین ترتیب تصحیح فرمایند
غلط صحیح غلط صحیح غلط صحیح
یهوه یهوشوع مسیح مسیح اما مسیح
همچنین در مقاله «زنان جوانمردی میکنند» مادام کلاین بوم (لهستانی) غلط (نلسطینی) صحیح است

در جهان کل میدهند سرانجام آنها بیوه ختم میگردد صرف نظر از اینکه ممکنست در اراک در آن گوشه ای که جنابمالی زندگی میکنید این قاعده مستثنی باشد.

آقای نویسنده منطق شما اینست: - ورود زن در اجتماع و مبارزات آن و تساوی حقوق زنان با مردان مخالف قانون ۱ و مخالف حکمت الهی است. مقصود شما کدام قانون است!

بنویسید ما هم بدانیم. و آن حکمت الهی که مخالف با حق حیات و آزادی زنان است شما از کدام گوشه ای پیدا کرده اید که تاکنون کسی را بآن دست رسی نموده است.

آقایان - زنان (جامهه یهود) نمیخواهند وزیر و وکیل شوند دوشیزگان اسرائیل میل ندارند پشت میز ادارات قرار گیرند بلکه از این امر تشر شدید دارند.



مشکل کنونی فلسطین و منشأ آن

در سال ۱۹۱۹ مشکل کنونی در کار فلسطین وجود نداشت زیرا کسی در نظر نداشت فلسطین را (سرزمین موعود) بنیاد و ملت دیگر آن بود که تقریباً مثل همه جای دیگر یهودیها و مساکین بومی کشورهای مختلف با هم در صلح و صفا زیست می نمودند مخصوصاً در شرق نزدیک یهود و عرب هیچگونه مخالفت و نفاق با یکدیگر نداشتند در این سال یعنی سال ۱۹۱۹ یهودیها و اعراب هیچگاه در این فکر نبودند که تصماً کینه و خصومتی میان خود ایجاد نمایند و امروز در اثر شدت مبارزات دیگران آنرا حقد و دشمنی اجدادی توصیف کنند. بسیار نادانند اشخاصی که اکنون میدانند دوره و مدت نفاق و دوگانگی ۱۹۴۵ در حقیقت از ۲۰ سال تجاوز نموده و ریشه آن از زمانهای دوری بوجود نیامده. محققاً امروز فلسطین آرزو و بانک قمار مضامین گشته است ولی نه یک نفر عرب و نه یک فرد یهود برای دشمن کنونی خود کینه شدیدی ابراز نمیدارد.

جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ خسارات زیادی را باعث گردید مراکز یهودیها مخصوصاً مجامع یهودیان انگلیس و آمریکا برای جبران و ترمیم این خسارات از حیث مالی خدمات هایاب توجهی انجام دادند روز دوم نوامبر ۱۹۱۷ «لرد بالفور» که در آنوقت یست وزارت امور خارجه بریتانیا را داشت به لرد «روتچیلد» مینویسد: « دولت انگلیس تشکیل کانون یهود را در فلسطین با خوش بینی مینگرد زیرا برای او آشکار است که بعقود مدنی و مذهب توده های غیر یهودی فلسطین هیچگونه تجاوزی نخواهد شد همچنین نسبت بعقود و تکالیف سیاسی که برای یهودیان کلیه کشورهای مقرر شده اطمه ای وارد نمیشود»

برای جبران زحماتی که یهودیان زمان جنگ تحمل شده بودند البته این موافقت یکنوع پاداشی محسوب میشود.

در سال ۱۹۲۹ وقتی که از طرف جامعه ملل قیمومیت فلسطین به بریتانیای کبیر واگذار شد در این کشور ۸۸۰۰۰ یهودی و محققاً ۷۰۰۰۰ عرب وجود داشت از این تاریخ بعد این رقم بطور فوق العاده ای ترقی نموده است در اول سال ۱۹۲۹ عده یهودیان و اظهار لرد بالفور - مهاجرت یهودیان بایک نسبت زیادی شروع شد شهرهای متعددی مثل تل آویو - بوجود آمده اسلوب ساختمان این شهر ها از روی نقشه های بود که مهاجرین با خود آورده بودند. اگر بگویم فلسطین کنونی در اثر مسامی یهودیان و مساعدت انگلیس و آمریکاییها بوجود آمده اشتباه نکرده ایم و هم چنین اگر بگویم نواحی وسیعی از بیابانهای خشک حاصلخیز گشته اند کاملاً صحیح می باشد. در حال حاضر جمعیت فلسطین را ۱۲۰۰۰۰۰ نفر عرب بشمار می آورند و تقریباً ۱۰۰۰۰۰۰ نفر یهودی و ۶۰۰۰۰۰ نفر یهودی و ۱۳۰۰۰۰ نفر کسانی که دارای ادیان مختلف میباشد در این کشور وجود دارد.

در عرض بیست سال توده یهود به نسبت یک به هفت اضافه شده و حال آنکه اعراب فقط دو برابر گشته اند. « از آئین»

اعتراف و تذکر

جذاب و مفید باشد نیست ولی بحکم وظیفه و در سایه هفت ملی میکوشیم که یاری پروردگار توانا بوجه احسن این خدمت ناقابل را با نهایت شایستگی انجام دهیم.

ولی خوانندگان محترم باید بدانند که موانع بیشتری در پیش هست که مهتر از همه ضعف مالی و عدم بودجه کافی است بطوریکه تا کنون برای هر شماره منحل مبلغی خسارت و ضرر شده ایم. حال خوب است خوانندگان عزیز ما حساب کنند همانطور که چند جوان بدون انتظار اجر و مزدی ساعات کار و استراحت خود را وقف این امر مهم عام المنفعه نموده اند و هر ماه مبلغی هم از جیب خود بعنوان ضرر میرد از زند همانطور هم لازم است که خوانندگان عزیز در راه خدمت بملیت خویش نسبت با استعداد و توانایی خود چه از لحاظ معنوی چه از لحاظ مادی (بازار راه قلم یا از راه قدم یا از راه درم) با ما کمک کنند که بتوانیم این نشریه را آبرومند نموده و خدمت خود را با تمام برسانیم و در تنویر افکار و پیشرفت فرهنگ و بیدار کردن جامعه خفته خود مجاهدت خویش را بنماییم. هیچ جامعه ای اصلاح پذیر نیست مگر اینکه اکثر افراد آن جامعه آماده خدمتگزاری و فداکاری شوند. جامعه ما فاقد همه چیز است و افراد آن بیش از مردگانی متحرک نیستند.

یک جنبش و انقلاب فکری لازم است و قیام دسته جمعی بر علیه نادانی و فقر و جهالت و خرافات و خودگی مورد احتیاج است آقایان دانشندان جامعه اسرائیل ایران وضع ملی ما رو به زوال است و با این روش غلطیکه عموم ما پیش گرفته ایم که هر يك كلاه خود را محکم گرفته و فقط بفکر خود هستیم نام خود را در تاریخ آینه ننهنگن خواهیم نمود. دست از خود خواهیم و تکبر و کناره گیری بر داریم و قدم در میدان نبرد زیرا برادران شما در چنگال جهالت و فقر معنوی روزه نابودی هستند ای آقایان سرمایه داران با این راه بیراهه ای که پیش گرفته اید خود و ملت خود را در برتگاه نیستی سرنگون خواهید نمود. خود پرستی و پیروی از تمایلات نفسانی و دل بستگی ببال دنیا را رها کنید و دمی هم بفکر خواهران و برادران فقیر و بی توانی خود باشید برای تشکیل صندوق ملی و تأسیس موسسات خیریه و کمک بفرهنگ نیمه جان و بهداشت ملت خود همت گمارید و حرارت و رشادتی از خود نشان دهید

ما بدون سلاح و آمادگی کامل قدم در میدان مبارزه نهاده ایم شما نیز با مایاری کنید یا از طریق دیگر ملت خود را دریابید

اینست راه چاره: دانشندان بکمک دانش و فضل خود، سرمایه داران با سرمایه خود، جوانان با پیروی جوانی خود، مردان مجرب و مدبر با تدبیر و تجربه خود بمیدان آیند و هر کس هر هنری دارد برای اصلاح حال بریشان ملت خود بمیان آرد و از جاه طایب و تکبر و گوشه گیری و درویش مآبی دوری کنند و با یک اتحاد و یگانگی برای نجات خود و ملت خود قیام نمایند. « بچه کرد»

تاریخ مختصر یهود

جلد اول از آفرینش تا یوشع
جلد دوم - از یوشع تا اسارت بابل
برای تدبیر در دبستانها
بزودی - جلد سوم از اسارت بابل تا امروز
برای دبیرستانها و استفاده عموم
محل فروش - چاپخانه بوستانی - چهار راه یوسف آباد

نامه وارده

در جواب پاسخ تقاضای ارسال گزارش مرتب گزارش دبستان کورش، نامه زیر بدفتر عالم یهود رسیده است.

این آموزشگاه مرکب از دودبستان کلاس یکی دخترانه و دیگری پسرانه میباشد که در حدود ۳۴۰ نفر پسر ۲۱۱ نفر دختر در آن مشغول تحصیل میباشند. و از آنجا یک شهر به دانش آموزان تکافوه مغارج آنرا نمینماید مؤسسين محترم دبستان همه ساله کسری بودجه دبستان را بطریق جمع آوری امانه یا از راه کابوهای بت هکنست دبستان تهیه و پرداخت مینمایند.

در خاتمه مته کر میگردد فقط موضوع قابل توجه و درج این است که مدیر دبستان پس از زحمات بی پایان و تحمل مشقات فراوان باینکه موفق باشد امتیاز دبیرستان گردید روی اصل اینکه در این دبستان معالی برای دایر نمودن دبیرستان موجود نبود نمیتوانست به کمال مطلوب برسد. مهذا مایوس نگشته و باز هم در تلاش می باشد که شاید بتواند در سال تحصیلی آینده در صورتی که افراد ملت یعنی کسانی که قادرند در این راه کمک کنند و از راه نوع پروری و برادر دوستی بخواهند مساعدت نمایند دبستان آبرومندی تأسیس و دایر نماید.

باتقدیر احترامات فائقه

عالم یهود: از قرار اطلاع حاصله انجمن دبستان کورش مبلغ نهمه هزار ریال جمع آوری نموده است.

امیدواریم در سایه همت کارکنان آن انجمن و خیرخواهان ملت دبستان کورش بدبیرستان تبدیل شود و از این راه کمکی بفرهنگ جامعه بشود.

تاریخ یهود

طایفه پلیتیم باین هم اکتفا نکردند و در زمان داور هلی هکوهن طایفه دان و بهردا را ملول کرده بجانب مرکز بطایفه افرایم حمله ور شدند و در جنگی که بین آنها روی داد داور هلی کشته شد و صندوقی را که الواح مقدسه در آن بود با سارت بردند و شهر شیله را نیز خراب کردند هلی هم در اثر این ضربت فوت نمود و ایشان مدتی بر قسمتی از ارس اسرائیل تسلط داشتند.

روایات مذهبی چنین میگویند که در مدت هفت ماهی که صندوق خداوند در بیت خانه داغون نزد فلسطینیان بود امراض مختلفه مثل طاعون و وبا در تمام سرزمین فلسطینیان شیوع یافت تا اینکه آنان خود از ترس تلفات زیادتر آنرا بوسیله کالسکه ای باولین شهر یهودی نشین روانه نمودند.

آخرین شخصی که بعنوان داور در میان اسرائیل میزیست «شموئل پنجم» بوده که با عقل و تدبیر تمام افراد وطوایف ملت را بوحدت و یگانگی دعوت و علاقمند ساخت و چندین مرتبه پلیتیم را شکست داد شموئل از کودکی نزد «هلی هکوهن» دستورات مذهبی و روایات و فرامین آنرا تحصیل میکرد و به از بهشت به پیغمبری ملت را به برستش خدای خود دعوت نموده و بتربیت تمدن و آداب ملل همسایه سفارش میکرد و سعی مینمود اختلافات طایفگی آنانرا کنار زده ملت واحد و قادری بوجود آورد و برای اداره کار های ملت شاگردانی دور خود جمع کرد که آنانرا «فرزندان پنجمبران» مینامند و ایشان او را در کارهای یاری و معاونت میکردند.

بانو ملیحه یاشار

متخصصه در بیماریهای زنان - مامائی - نازالی چهار راه رازی

تشکیلات

بقیه از صفحه ۳۵۶

چنین معلمی یا حقوقهای کم که (از دولت سر کسر بودجه) کوشش میشود هر سالی کمتر شود زندگی خود را وقف نخواهد نمود و آنها یکبه باخذ حقوق کم تن در میدهند تا بتعلیم و تربیت اطفال بیگناه مردم پردازند کسانی هستند که از هر دری مایوس برگشته و باین کانون یاس آمیز و عجز خانه پناه میاورند، و مانند اینست که نجاری از پیدا کردن کار نجاری خسته و نا امید شده شغل طبابت را پیش گیرد و سر اوشت و زندگی گانی مردم را وسیله ارتزاق خود قرار دهد.

آنها یکبه تربیت فرزندان خود علاقمند هستند اهم از طبقه اول و دوم و سوم آنها یکبه بترقی و افتخار ملت خود پایبند میباشند از این نکته فائزند که معلمین هر چه لایقتر و با تجربه تر و کار آزموده تر را با یستی بتربیت و تعلیم شاگردان کلاسهای اول و دوم و سوم گمارد زیرا پی و بنیاد تربیت و تعلیم را باید بدست استاد دانا و توانا محکم و استوار نمود.

کسی نمیپرسد این مدارس ما که اروزنی رجال و دانشمندی از آن نیز تعویل جامعه گردید چرا رو به خرابی میرود و چرا همه ساله بودجه آن کسر است؟ دلیلی جز بی همتی و خود پروری و خود پرستی جامعه اسرائیل ایران ندارد!!!

اولیای مدارس برای اداره مدارس خود ناچار شده اند از آنها یکبه خود مستحق دستگیری و کمک هستند ماهیانه اخذ نمایند (البته بیشتر در شهرستانها) چه کنند؟ ناچار هستند مدرسه را که نمیشود تعطیل کرد زیرا بایسته شدن این مدارس نیمه جانی که از حیات اجتماعی ما باقی است یکباره تمام خواهد شد.

بروتمندان و آتلهائی که از مرحمت آلیانس بتوانی رسیده اند خود را از موجودات عالی تر از بشر می دانند و خود را مسئول و موظف نمیدانند که بجای صرف هزاران بلکه ملیونها ریال در راه مهر و لب و عیاشی بایستی بمدرسه ملی خود کمک کنند و از اینراه در زنده ماندن جامعه خود موثر باشند.

احداث قصبه جدید در نزدیکی طبریا

قطعه زمین مهمی که در کنار دریاچه طبریا و بین چشمه های گرم و مستعمره کینرت واقع شده بزودی قصبه جدیدی خواهد شد.

شرکت منورا عهده دار ساختمان قصبه است محل اصلی شرکت در فاصله ۵ دقیقه (حرکت ماشین) چشمه ها در کنار جاده اسفالتی که از طبریا به ساماخ میرود واقع شده است.

در نقشه ای که از طرف یک معمار قدیمی دولت طرح گردیده یک کوی بازرگانی، یک آموزشگاه، یک کنیسا - خیابانها و باغات متعدد و بندر کوچک در کنار دریاچه در نظر گرفته شده است.

عملیات ساختمانی این قصبه شروع شده و در ماه اوت گذشته سنگهای بنای ده خانه اولیه آن گذاشته و این خانه ها قبل از اختتام سال جاری تمام خواهد بود مبلغ ۳۰۰۰۰۰ لیره برای اینکار در اختیار مقامه کار گذاشته شده است.

در آتیه مهمانخانه ای بساحت ده دونام در آنجا نیز ساخته خواهد شد لیکن موقتاً مهمانخانه آن ۲۵ اطاق خواهد داشت

اگر مادر شدید

سعادت خانواده خود را چگونه میخواهید تأمین کنید

- ۷ -



اگر مادرشدم بایستی بدانم که مادر شوهرم خواهم شد لذا بدو تصمیم میگیرم که مافوق افراد فامیل خود را مادر شوهر بدانم و بدون اجازه و مشورت او مبادرت به کاری نکنم که باعث دلتنگی طرفین واقع گردد و در صورت بروز هر قسم اختلاف و سوء تفاهمی یگانه چاره بر طرف کردن آنها بوسیله بروز احساسات قلبی ترضیه خاطر او را فراهم می آورم .
بامسر خود هیچگونه اوقات تلخی و دلتنگی نخواهم نمود البته همینطور که در تمام خوشبختی های همسر خود

شیراز - ویکتوریا فرهمند

شریک هستم بایستی در زحمات و مصائب او نیز شریک و صبور و برد بار باشم و همیشه با روی خوش و صلح و صفا با او رفتار کنم و شعی کنم هیچوقت نفاق مابین ما نیافتد چون پدر و مادر نمونه کاملی برای فرزندان ما میباشند و اخلاق والدین خیلی در اطفا نشان مؤثر است طوری فرزند خود را بار می آورم که همیشه موقر و متین و بردبار و در عین حال با شهامت باشد و با آنها هیچوقت با خشونت رفتار نخواهم کرد که عیوس و بد اخلاق بار آیند بلکه طوری رفتار خواهم کرد که یک طفل تربیت شده و تحصیل کرده تحویل جامعه دهم تا بتواند آنطوریکه شاید و باید به جامعه خدمت نموده و موجب سرفرازی و نیک نامی خود و خانواده اش گردد .
شیراز - ویکتوریا فرهمند

سعادت آینده خود را منوط بر این سه چیز میدانم

- ۸ -

اول - اتحاد و یگانگی مابین اعضاء خانواده که بایستی از پدر و مادر سرچشمه گرفته بکودکان سرایت نماید .
دوم - من اگر هر چه نروتمند باشم خودم بایستی بامور خانودگی رسیدگی نمایم .
سوم - اگر مادر شدم بی مسئولیت خود برده با چهره گناده این وظیفه الهی را عهده دار شوم و فرزندان را بدایه نیارم و خود شخصاً تربیت آنها را بعهده گرفته .
چه افتخار هر خانواده ای بفرزندان تربیت شده آنهاست .
من اگر مادرشدم سعادت خود را این طور تأمین مینمایم .

تویسرکان
شرافت رحیمی

برندگان جوایز ترجمه کنید قسمت ۱۴

در ترجمه این قسمت آقایان مسعود مرادف - ساقی سلیمانی - نجات الله دانشور - استرهارویان - م. رحمان پور - خانی الیاهودارشان - حزقیاء جوهری از تهران و آقایان فرید امید - سیون سالم زاده - سلیمان سلیمانی - یعقوب زرگری - الیاهو متوسل - میور شلومیل - باشی آقائی نورئیل - یوسف کبای - روبن حناصاب - موسی موسائی - منوچهر کهن - نورالله نیشان - اسحق اوهب از شهرستانها شرکت کرده اند . برندگان این مسابقه آقای مسعود مرادف از تهران و آقای فریدون امید از کرمانشاه میباشند لذا برای هر کدام ۴ شماره عالم بهود ارسال میشود اینک ترجمه کنجشکی تشنه در صحرا بود . در آن صحرا آب یافت نشد . کنجشک سبوی آبی روی زمین یافت که دو آن کمی آب بود . ولی چون دهان آن سیو تنگ بود و برای کنجشک مقدور داخل آن شود لذا نمیتوانست از آب آن بنوشد .

پس سنگهای کوچکی گرفته در سبوریخت و آب در آن بالا آمد و کنجشک نوشید .
حل معما سارق کیست قسمت ۱۵
من از این سه نفر سومی را بدزدی متهم و اولی و دومی را از این عمل تبرئه میکنم بعلت زیر : اظهار نفر دوم راجع بنفر اول : « او میگوید من صادق هستم و دزد نیستم . » راست است .

چرا ؟ چون نفر اول اگر صادق باشد پس راست میگوید و خود را صادق معرفی میکند و اگر سارق باشد بنا بر شرط مسئله (شخص سارق هیچ راست نمیگوید) باز هم بدروغ خود را صادق معرفی میکند و در هر دو حال باید گفته باشد « من صادق هستم » و نفر دوم که این گفته را تکرار میکند راست گفته و بنابراین صادق است . و چون گفته اولی را تأیید میکند « راست میگوید » پس او هم صادق است و سارق نیست .

پس بین این سه نفر فقط شخص سومی مظنون و دزد شناخته میشود . از بین شرکت کنندگان در این معما جواب آقای نجات الله دانشور ، از تهران و آقایان اسحق م. م. کهن حبیب الله طیبیان - و مهدی صابری از شهرستانها صحیح بود ولی تنها آقای اسحق م. م. کهن از شیراز توانسته است دلیل مقنی در اثبات ادعای خویش اقامه نماید ولذا برنده شناخته میشود .



ترجمه کنید
بدو نفر از
کساییکه
بهر از همه
ترجمه کنند
۴ قسمت از
کتاب عالم
بهود داده
خواهد شد

قصه برای کودکان

قاصد زرنگ

یکی بود یکی نبود ، غیر از خدا هیچکس نبود ، در سرزمین یکی از پادشاهان قدیمی بانلاق بزرگ صعب العبوری وجود داشت که یکی از شاهراههای مهم کشور را قطع کرده بود و ناچار شدند جاده عمومی را که عبور و مرور زیاد داشت دور بانلاق بگردانند و برای دور زدن بانلاق یک نفر مسافر سواره سه ماه و مسافر پیاده لااقل مدت پنج ماه مجبور بود در راه باشد .

در کنار جاده نزدیک بانلاق کلبه خرابه ای وجود داشت که در آن پیر مردی با سه فرزند خود بنام : ابراهیم ، یعقوب و یوسف زندگانی میکردند ، این پیر مرد محترم و با خدا پر خلاق سرمایه دارهای امروزی تصمیم گرفت با کمک سه فرزندش قسمتی از بانلاق را خشکانند و جاده عمومی را از وسط آن بگذرانند و در مکانهایی که ممکن شود پلهای سبکی بسازد که وساطت نقلیه سبک وزنت به آسانی بتوانند از آن عبور کنند و راه باندازه ای نزدیک شود که مسافر پیاده در سه هفته و سواره در سه شبانه روز آنرا طی نمایند . پیر مرد خیر اندیش و نیکوکار بکمک سه فرزندش شروع بکار کرد و روزها و ماهها و سالها چهار نفری با معاضدت یکدیگر در گرما و سرما ، عرق ریزان و نفس زنان زحمت کشیدند تا باری روزی خود رسیده موفق گشتند .

جاده عبور و مرور بزودی ساخته و مهیا گشت ، پیر مرد محترم با حالی آرام و بشاش در کلبه خویش باستراحت برداخت و شکر خدای متعال را بجای آورد که پیش از مرگ توانسته بود بکمک سه فرزندش نام نیکی از خود بیادگار گذارد . آنوقت سه پسر خود را احضار نموده گفت :

ابراهیم ، فرزند ارشد من ، فردا پیش از طلوع آفتاب بید از گداورندن نماز ، زیر پل حاضر شو و گوش فرا دار تا آنچه ما برین میگویند بشنوی و برای من گزارش دهی .

ابراهیم پسر حرف شنوی بود و بنا بدستور پدر بزرگوارش پیش از طلوع آفتاب و پس از خواندن حمد و ثنای خداوند بزرگوار رفت و در انتظار گذشتن عابر نشست طولی نکشید و دو نفر پیر مرد ریش سفید با ردای بلندی که هاتند برف سفید بود از روی پل عبور کردند ، پیر مرد اولی بدومی گفت : خداوند به بنا کنندگان این پل که باعث سهولت راه مسافرن گشته است پاداش خیر عطا فرماید .

ابراهیم بعضی شنیدن طنین صدا از زیر پل خارج شده و با کمال ادب و نزاکت در مقابل دو پیر مرد تعظیم نموده و با زبان آرامی گفت : این جاده و پل را من و پدرم و دو برادرهایم بکمک خداوند ساخته ایم .
یکی از پیر مرد ها سؤال کرد : فرزند عزیز ، اکنون در در قبال این زحمات و نیکوکاریها از خداوند چه میطلبی ؟
ابراهیم جواب داد : بولی میخواهم که بکمک آن دست به اقدامات نیکوی دیگری بزنم و مادام العمر تمام نشود .
پیر مرد در جواب خواش او گفت :

در زیر درخت چنار نیم سوخته ای که در دامنه آنت دره مشاهده میکنی گنجی از زر و سیم و سنگهای قیمتی نهفته است که خواهش ترا بر آورده خواهد نمود و تو آن را در راه خیر و مشروع مصرف کنی .

ابراهیم خوشحال و خندان از آن دو پیر مرد دور شده و مژده پیر خود برد و ماجرا را تعریف نموده و سپس بکمک برادران خود بدان محل شتافت و با تکان دادن درخت نیم سوخته درمی پیدا شد که بزرگ زمین منتهی میکشت و هر آنچه پیر مرد گفته بود برای الین در آنجا مشاهده کردند . بقیه دارد « فرج الله اوریان »

مسابقه زیباترین کودکان



ژانت هارویان دوساله

بچه های زیبا ،
عجله کنید و عکس زیبایی از خود برای ما بفرستید زیرا ،
قریباً این مسابقه بیابان میرسد ،
و شما هم از دوستان وهم -
سالان خود عقب مینایند وهم
از جایزهاییکه برای زیباترین کودکان در نظر گرفته شده نصیبی نخواهید برد .

در مورد شرکت در مسابقه های این کتاب « حل معما ها و ترجمه و خل جدول ها » و جدولهای مطروحه يك ريال تمبر پست بضمیمه نامه خود ارسال دارید زیرا بدون تمبر بنامه های شرکت کنندگان در مسابقات ترتیب اثر داده نخواهد شد .

عزریا دی رسی

بقیه از صفحه ۲۵۵

تاریخ بهود در موقع آبادی خانه دوم - شارش تاریخ بهود از زمان خلقت - مطالعات کلی در اطراف تاریخ بهود - مطالعه در اطراف زمان ظهور ماشیح (יסוח חמשיה) راجع به (اقلوس) و (آکیلاس) - راجع بسائل مختلفه اسرائیل در زمان قبل از میلاد متجمله راجع ببطع عبری که فعلاً رایج است .

این کتاب که بزبان عبری نوشته شده در بهار ۱۵۷۱ شروع و تدوین آن ۱۸ ماه بطول کشیده است یعنی در پاییز ۱۷۵۲ خانه یافته و در سال ۱۷۵۴ بطبع رسیده و سال بعد با اضافات و تصحیحاتی مجدداً چاپ شده است .

آنگاه یک نفر از دانشمندان موسوم به (اسحق فین زی) ساکن شهر (بی سارو) کتاب او را تنقید نموده و حملات سختی باو نمود و عزریا رساله ای در پاسخ او نوشت موسوم به (מצורף פסוק) یعنی بوته ذوب نقره که تا سال ۱۵۷۶ بطول انجامید و فقط برای اولین مرتبه در سال ۱۸۵۴ در لندن بچاپ رسید ترجمه - حنیئا ملامد

عالم یهود : تقاضا میشود اشخاصیکه دارای عکس و شرح حال و زندگی و خدمات برجسته رجال و نواغ یهود (مبتنی بر مدارک موثق) میباشند برای درج و استقاده عموم بدفتر این نشریه ارسال فرمایند .

از دفترچه یادداشت حاج آقا...؟

شب اول حشوان
 ۵۰۰۰۰ دیروز ملیحه دخترم را از خانه بیرون کردم، و بریده میکفت شوهرم را باید خودم به پندم!
 چنان مشت محکمی بدماش زدم که دوتا ازدندانهاش شکست و گریه کنان از خانه خارج شد، عجب دوره خرابی شده است.
 زها (همان ضیفه‌های سابق) هم زبان درآورده اند، مادر خدا بیمارزم میکفت «قدیم مایک سنک بگوشه چاره دخترها می بستند و معنایش این بود که:
 اگر سنک حرف زد دخترها هم باید حرف بزنند...»
 نور بقبرشون بیارد قدیمی‌ها که همه کارشان از روی مصلحت بود.
 ...
 (چند سطر خوانده نشود)

یک شبات...
 دختر کوچک خودم را برادرم شوهرم دادم بقول پدر خدا، بیمارزم!
 «... حیف است لقمه‌ای که در سفره خودمانست سر سفره غریبه‌ها بگذاریم...»
 بگنار این سنار سه شاهی را که باسم جهاز بدخترمان میدهم بخانه خودمان برود ولی مردم فضول این روزها سرشان برای بدگویی درد میکنند. - شنیده‌ام میگویند نباید دختر برادر را گرفت یازن دای شد!
 چونکه از زناشویی قوم و خویش های نزدیک اطمان لایل و سفیه و ناقص الخلقه به دنیا می آیند!!
 راستی چه حرفهای احمقانه‌ای!
 من خودم دخترخواهرم را گرفته‌ام.
 چهل سال است باهم زندگی میکنیم ۱۲ شکم زاییده است همه مثل شاخ شمشاد فقط سه تا شان در بیگی مردید دوتا شان یک کسی «خل» هستند و بیکشان بیهوشی نهی لال است و دوتای دیگر گاهی حمله و غشی میکنند و سه تا افلیج و چلانند و مابقی (۱) سالند.
 حقا که مردم حقدر فضول و بیعیبا هستند و بیهوده کار دیگران دخالت میکنند بلکه من بخوام دخترم را آتش بزنم بردم چه ربطی دارد عجب دوره‌ای شده است.

سه شبات
 پسر بزرگم را از مدرسه دکتری بیرون آوردم - پول من از بارو بالا نیبرود که اینقدر خرجش کنم!
 میگویند «کتاب دکتری» برایش بخرم یکی پنجاه تومان!!
 این گوساله فکر نمیکنند پنجاه تومان در یکسال حقدر نرولش می‌شود.
 با یک پانین بالا شدن بازار از پنجاه تومان سه تا پنجاه تومان می‌شود استفاده کرد.
 پول زنده باد!
 دکتری بچه درد پسرم میخورد ناخوشی را خدا میدهد علاجش هم با خودش است باقی حرف مفت است

۴ شبات...
 امروز چند نفر کردن کلفت بیکاره برای جمع کردن امانه بجزره آمدند گفتیم برای کی امانه جمع میکنند گفتند برای زن بیوه بیکنفر جوان نوع دوست و فداکار!
 با اینجند پرسیدم مثلا چه جور فداکاری!!
 گفتند چهار سال تمام در راه ملت شب و روز زحمت کشید. از دهان خود برید بستنندان بخشید. شب های دراز زمستان تا صبح بر بالین بیمارانی بی سرپرست بیدار ماند و سرانجام برض ذات الریه مبتلا شد و جان سپرد.
 زن و دو طفل خرید سال او بی سرپرست مانده اند و انتظار کمک دارند.
 فریاد زدم که این فداکاری چیست! دیوانگی است! حماقت است فداکاری را من نمیکنم.
 پانین سن و سال روزی ۱۴ ساعت جان میکنم یکشاهی یکشاهی جمع

۳۶۸ -

یافا

خیابان مقابل شاه دانشسرا ۲۲ قسمت دختران

فروشنده انواع و اقسام لوازم آلات موسیقی - تعمیرات آلات موسیقی - قیمت مناسب همه اوع پذیرفته میشود ۵-۴

خطر بزمشتر کین محترم
 محترم کین محترم که با دریافت این قسمت آیونه آنها بسر میرسد معنی است آیونه خود را با پرداخت دوست ریال برای چهل قسمت با صد ریال برای بیست قسمت دیگر تجدید فرمایند. ۲-۳



هنرستان فنی
 در دبیرستان اتحاد هنرستان خیاطی، پردری دوزی و برش تحت نظر خانم دیلمه از صبح تا عصر دایر و برای تعلیم مجانی بانوان و دوشیزگان آماده میباشد داوطلبان میتوانند هر روز تا ساعت یازده بدفتر دبیرستان مراجعه نمایند. ۲-۳

نقاشخانه دوست
 با سابقه چندین ساله‌ای که در نقاشی ساختمان و درهای عمارت دارد میتواند ساختمانهای شما را با نازترین وجه زیبا ترین صورت بادست پاماشین تزین نماید نشانی: چهار راه رازی نقاشخانه دوست، چهار راه بوسف آباد چاخانه بوستانی، چهار راه کنت مناره بوستان ۱۰-۲

میکنم نمبخورم... نمی بنخشم که بعد از مرگم بگویند فلان مردوده گروور پول و نقد و ملک باقی گذاشت... به آقا فداکاری را من میکنم برمایند بیرون... برمایند من توپ هم برسینه این جور احمق‌ها نمی گذارم... از حرفهای حساسی من همگی جا خورده بدون حرف از حیره بیرون رفتند از نطق خود خیلی سرگرفت بودم و تا شب چند تا چای زیاد تر خوردم

عالم یهود

بها ۵ ریال

عالم یهود



صاحب و مدیر مهندس بوستانی حبیب الله لاری تحت نظر هیئت تحریریه نشانی دفتر چهار راه رازی عنوان تلگرافی: «هاعولام»

ایلانوت

چشم درختکاری

با سابقه چندین ساله‌ای که در نقاشی ساختمان و درهای عمارت دارد میتواند ساختمانهای شما را با نازترین وجه زیبا ترین صورت بادست پاماشین تزین نماید نشانی: چهار راه رازی نقاشخانه دوست، چهار راه بوسف آباد چاخانه بوستانی، چهار راه کنت مناره بوستان ۱۰-۲

تقویم هفتگی

شواط	دی	ژانویه
۵۷۰۶	۱۳۳۴	۱۹۴۶
۲ شنبه ۱۳	۲۵	۱۵
۴ یکشنبه ۱۴	۲۶	۱۶
۵ دوشنبه ۱۵	۲۷	۱۷
۶ سه شنبه ۱۶	۲۸	۱۸
۷ چهارشنبه ۱۷	۲۹	۱۹
۸ پنجشنبه ۱۸	۳۰	۲۰
۹ شنبه ۱۹	پهن	۲۱